



۱۴ دسمبر ۲۰۲۰

خلیل الله معروفی

## چقدر آلا - از آلام کده بالا!!!

قابل توجه: داکتر صاحب "جلال" و "رفعت حسینی" و "حسیب الله خان"

### طنز دستوری

نمیدانم، در چه فکر و مشغله ای به خواب "ناز!" رفته بودم، که همین، که از خواب برخاستم، عنوان بالا را "زمزمه کنان" بر لب داشتم ....

زبان گفتار و بالخاصه زبان عوام، در پی مختصر کردن و سهل ساختن سخن است؛ خواه متشکل از کلمات بسیط و منفرد باشد و یا عبارات کشال و مغلق و پیچ در پیچ. در زبان گفتار کلمه عربی "اعلی" (اعلا) را به شکل "آلا" تلفظ میکنند، تا لاقل و کم از کم، از "قفلله کردن" مخرج ناگوار حرف "عین" رهائی یابند؛ چون تلفظ "ملانی و مولوی وارو"ی این حرف، زبان آدم معمولی بی چون "خ. معروفی" را به اصطلاح شیرین کابلی "رگ میسازد!!!"

جهت ثبوت بیشتر این نکته، بهتر است عنوان را کمکی انکشاف داده و در هیئت مکتوب و ادبی بنویسم. بدین مناسبت مگر ترکیب عامیانه "چار ناخون" را نیز با آن اضافه کرده میگویم:

«چقدر آلا؛ از آلام کده چارناخون بالا»

(چقدر اعلا؛ از اعلا هم کرده چارناخن بالا)

"چار ناخن" - که بهتر است پیوسته به شکل "چارناخن" نوشته شود - یکی از واحدهای طول است، که در زبان عوام قدیم کابلی، فراوان استعمال میشده؛ و "چارناخن" را یک "چامپه" هم گویند. بی ادبی مُعاف اگر درین ارتباط، "چامپه کردن" را مثال میزنم، چون "چامپه کردن" در اصطلاح اوباش، "انگشتک کردن" و یا "انگلك کردن" را گویند ....

معمول چنان است، که نویسنده برای مطلب و مضمون مد نظر خود، عنوانی را انتخاب میکند و به اصطلاح "سره سازان" - "برمیگزیند". من اما چنان، که همه کارهایم "سرچیه" است - و این رسم دیرین من است - برای عنوان دلارای بالا، مضمون مییالم!!! بدین منظور بَعْل و بَعْل حافظه را خاریده و از کنج و کنار این دستگاه طلسم آسای پرنیرنگ و عجیب و غریب، مطالبی را گدائی میکنم:

- خدا گردنم را نگیرد، بیست سال پیش و پیشتر از آن با جریده "امید" همکاری قلمی میکردم. بدین معنی، که مقالاتی مینوشتم و از طریق نامه به مدیر محترم این جریده میفرستادم. مدیر جریده "امید"، که بیچاره همه کاره این نشریه بود، مقالاتم را خودش تایپ میکرد؛ و دلکم ازین دَرک بسیار خون بود. چون:

- از یک طرف دسترس به کمپیوتر نداشتنم، تا مقالاتم را آبرومندانه و "آدم دستور"، خود درج فورمات لازم کنم

- و از طرف دیگر "مدیر صاحب" جریده "امید"، که "تایپست امید" نیز بود، مقالاتم را خود تایپ میکرد و دلم ازین خاطر بسیار "آو" بود، که اغلاط تایپی فراوان از نزدش سر میزد. این نکته وقتی بیحد گزنده و دردناک میگشت، که مثلاً سخن از "دستور زبان" و "املاء و انشاء" میرفت و ارتکاب اغلاط در چنین نوشته هائی، حکم "کفر مطلق" را داشت:

- من مثلاً "غیاث اللغات" و "شدیدالحن" و "عبداللطیف" مینوشتم و مدیر صاحب جریده، آن را "غیاث الغات" و "شدیدالحن" و "عبدالطیف" تایپ میکرد

- من مثلاً "شاه خوبان" و "کوه بلند" و "ماه نو" و "ماه گذشته" مینوشتم؛ و مدیر صاحب جریده "امید" آن را یک گره بالاتر و در هیئت، "شاه خوبان" و "کوه بلند" و "ماه نو" و "ماه گذشته" تایپ میکرد

- من مثلاً "سرمایه دار" و "علاقه مند" و "بهره مند" و "سایه بان" مینوشتم و جناب "محمد قوی کوشان" آن را به رسم و شیوه کاملاً غلط فارسی ایران، "سرمایدار" و "علاقمند" و "بهرمند" و "سایبان" تایپ میکرد

- من مثلاً "الحمد لله" و "عبدالله مینوشتم و جناب "قوی کوشان" آن را به رسم کاملاً غلط افغانستان، "الحمدالله" و "عبداله" تایپ میکرد

- بالاخره من "چنین" مینوشتم و جناب مدیر صاحب "جریده امید" آن را "چنان" تایپ میکرد. و واقعاً، که دلک غمزده ام ازین بابت سخت پرخون بود ....

چه درد سر بدهم خوانندگان عزیز و به جان برابر و بلکه صدها بار بالاتر از جان من و صفحه "آریانا افغانستان آنلاین" را، که در همان برهه زمان، یکی از مقاله نویسان "امید"، وطندار عزیز ما به نام "محمد احسان انتظار" بود. آقای "انتظار" اصلاً در رشته "زبانشناسی" در امریکا دوکتورا گرفته بود و از بسا جهات مسلکی و از رهگذر تیوری الحق شخص پُرفیض و بافهم هم بود. در عمل مگر چنین نبود، چون او مثلاً بر زبان مادری خود؛ یعنی "زبان دری"، تسلط کافی و لازم نداشت. مثال میزنم، تا ارتباط سخن عملاً برقرار شود و مطلبم "پای در هوا" نماند.

جناب داکتر "احسان انتظار" ضمن یکی از مقالات خود نوشته بود، که ترکیب "اعلاتر" غلط است و این طور استدلال کرده بود، که چون "اعلا" کلمه عربی ست، پس وصل کردن آن با ادات "تر"، که علامه خاص تفضیل زبان دری میباشد، غلط است. خوب به یادم مانده است، که ضمن مقاله ای در جواب ایشان نوشتم:

«ترکیب "اعلاتر" واقعاً غلط است، مگر نه ازین سبب، که "اعلا" کلمه عربی میباشد و استعمال آن با "تر" زبان دری، غلط است؛ بلکه "اعلاتر" ازین سبب غلط است، که "اعلا" به ذات خود، صفت تفضیل عربی و در معنای "عالی تر" یا "بهتر" و "خوبتر" است. و وقتی، که "اعلا" خود "صفت تفضیلی" میباشد، استعمال آن با "تر" و "ترین" - که علامات تفضیل دری میباشد - غلط محض و کفر مطلق است!!!»

جهت روشن گشتن بهتر موضوع و طرد نظر نادرست همانوقتۀ جناب "داکتر صاحب انتظار"، اینک مراتب ذیل را اضافتاً تقدیم میکنم:

هر زبان علاوه از کلمات خودی، کلمات بیگانه و خارجی را نیز به کثرت و وفرت استعمال مینماید. از بهر مثال زبانهای ملی و رسمی ما، "دری و پشتو" کلمات بسیار فراوان عربی و ترکی و ازبکی و هندی و مغولی و فرنگی را هم به کار میبرند؛ و این حقّ مسلم و کاملاً بدیهی زبانهای "دری و پشتو" ست، که چنین میکنند؛ چنان، که حقّ مسلم همه زبانهای عالم نیز میباشد!!! درین زمینه باید توجه داشت، که کلمات بیگانه در ذات خود، یا "اسم" هستند و یا "صفت" و غیرهم. اگر کلمات بیگانه در ذات خود مثلاً "صفت" باشند، دیگر لازم نیست، که در زبانهای "دری و پشتو" علامات وصفی دری و پشتو را بر آنها بیفزائیم. مثال میزنم تا موضوع روشن شود:

چندی پیش یکی از کامنتگذاران کلانکار پورتال "افغان جرمن آنلاین" نوشته بود، که مصروف "تحقیقات اکادمیکی" میباشد. این بیچاره، که نه از زبان خود بهره کافی دارد و نه از زبانهای فرنگی، نمیداند، که کلمه "اکادمیک" در ذات فرنگی خود، "صفت"

است. ازین سبب هرگز اجازه نداریم، که در آخر آن علامت وصفی "ی" را چسپانده و از آن "آکادمیکی" بسازیم!!! چون ترکیب "تحقیقات آکادمیک" بالذات و به ذات خود، یک "ترکیب وصفی" میباشد، باید به همین حیث هم در زبانهای ارجمند "دری و پشتو" استعمال گردد. اصطلاحات "دیپلماتیک" و "ستراتیژیک" و "بیولوژیک" و "تکنولوژیک" و غیرهم نیز در ذات فرنگی خود "صفت" هستند. ازین سبب چسپاندن "پای وصفی" بر آنها و گفتن و نوشتن "دیپلماتیکی" و "ستراتیژیکی" و "بیولوژیکی" و "تکنولوژیکی" غلط مطلق است!!!

و مثالهایی از سنخ دیگر هم بزنم:  
کلمات عربی بر وزن "افعل"، چون "اعظم و اجمل و اکمل و انور و اعلم و اشهر و احمد و اکبر" در ذات عربی خود "صفات تفضیلی" هستند، که در زبان دری اینطور ترجمه شده میتوانند:

- "اعظم" در معنای "بزرگتر" و یا "بزرگترین" - "عظیم تر" و یا "عظیم ترین"

- "اجمل" در معنای "زیباتر" و یا "زیباترین" - "جمیل تر" و یا "جمیل ترین"

- "اعلم" در معنای "داناتر" و یا "داناترین" - "عالم تر" و یا "عالم ترین"

- "اکبر" در معنای "بزرگتر" و یا "بزرگترین" - "کبیرتر" و یا "کبیرترین". و قس علی هذا.

چون این کلمات در ذات عربی خود تفضیلی هستند، ازین سبب اجازه نداریم و هرگز اجازه ندارم، که علامات "تر و ترین" تفضیل زبان دری را بر آنها علاوه کرده و استعمال کنیم. شایان تذکر علیحده و مؤکد میباشد اگر بگوئیم، که عین صفات تفضیل عربی، به حساب زبان دری، هم معنای "تفضیلی" را در بر دارند و هم معنای "عالی" را، که در زبان دری با علامات "تر" و "ترین" نمایش داده میشوند. البته باید نظر به مورد استعمال، تفکیک کنیم، که این صفات تفضیلی عربی در کدام وقت مفهوم بار "تر" را دارند و در کدام وقت مفهوم بار "ترین" را. باز مثال میزنم تا مطلب واضح گردد:

- وقتی "الله اکبر" میگوئیم، مراد ما در زبان دری «الله بزرگترین همه است» میباشد - بار "ترین"!!!

- و یا وقتی "الله اعلم بالصواب" میگوئیم، معنایش اینست، که «خداوند، حق را از همه کس دیگر، بهتر تشخیص میدهد!!!» - بار "تر"، که با ذکر قید "همه کس" مفهوم "ترین" را افاده میکند!!!

## چتیات و شطحیات:

مردم قدیم کابل همیشه گفته اند، که:

«از زبان یک دروغگوی، صد نفر دروغگوی میشن!!!»

درین مثل قدیم کابلی، وقتی "صد نفر" میگوئیم، مراد ما از یک "عده کثیر" و "تعداد بسیار زیاد" از مردم است. مُفاد اصلی این ضرب المثل اینست، که اگر کسی سخن غلط و ناصوابی را به میدان اندازد، همه کسانی، که این سخن را نُسخوار میکنند، به راه غلط سوق داده میشوند.

یک زمانی در جریده "امید" کسی از وطنداران عزیز ما به نام "سید طیب جواد" نوشت، که "شطحیات" معرّب کلمه "چتیات" مامردم است. داکتر صاحب "سید خلیل الله هاشمیان"، که در رشته زبانشناسی در پوهنتون نبراسکای اضلاع متحده امریکا درس خوانده بود و از زبان عربی آگاهی کافی نداشت، این گفته "سید طیب جواد" را به شکل معکوس، انتقال داد. خلاصه، که به اثر کارروائی این دو هموطن عزیز و گرامی ما، نویسندگان "بی پروا" و "سطحی نگر" معتقد گشتند، که "چتیات" مُعادل "شطحیات" است!!!

چنان، که ضمن مقالات و نوشته ها و کامنتهای وطندران خود در "افغان جرمن آنلاین" و "آریانا افغانستان آنلاین" شاهدیم!!!

من بیچاره، که به مانند "حسن غمکش" باید غم همه کس را بخورم، سالها پیش درین زمینه نوشتم، که "چتیای" و "شطحیات" ما هم هیچ ارتباط اورگانیک و عضوی ندارند. چندین ماه پیش هم همین موضوع را ضمن مقاله «چتیای در معنای شطحیات نیست!!!» در وبسایت "اریانا افغانستان آنلاین" منتشر کردم. لنک همین مقاله را میگذارم، تا عزیزان خواهنده و خواستار و علاقه مند، بدان رجوع فرمایند:

[http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Marooft\\_k\\_chatiaat\\_dar\\_manaaye\\_shathiyat\\_neest.pdf](http://www.arianafghanistan.de/UploadCenter/Marooft_k_chatiaat_dar_manaaye_shathiyat_neest.pdf)

مگر چنان، که رسم خراب و بلکه عادت "خانه خراب" مردم ماست، نویسندگان عزیز ما بهتر میدانند، که سخنان غلط و ناصواب و ناروا را کاپی و نسخوار کنند، تا سخنان درست و صائب و اصولی را!!! امید است، که این نکته به صورت خاص از نظر داکتر صاحب "داوود جلال" و نویسنده نقاد، آقای "رفعت حسینی" هم حتماً بگذرد!!!

## میزوف – میضوف – مجذوب

در زبان عوام کابلی کلمه "میزوف" بسیار معمول است و مراد از آن کسی ست، که "تقریر فکری نداشته باشد". اصل این کلمه "مجذوب" است، که از اصطلاحات عرفانی میباشد؛ و "مجذوب" اسم مفعول عربی و در معنای "جذب شده" است. چنان، که "مجذوب لایخوار" گفته اند، که "حضرت سنائی غزنوی" را از "مدیحه سرائی" رهانید و به راه عرفان هدایت کرد .... قسمی، که فوقاً گفتیم و همه هم به نکوئی میدانند، "زبان عامیانه" و "زبان گفتار"، کلمات را به شکل و هیئتی تلفظ میکند، که مزاج زبان عوام و گفتار ایجاب میکند. زبان عوام و زبان محاوره هرگز در فکر و قصه این نیست، که دل ادباء و فضلاء و اهل قلم رنجیده میشود، اگر کلمات درست و اصولی تلفظ نگردند!!!

در درجه نظرخواهی وبسایت "اریانا افغانستان آنلاین" و پورتال "افغان جرمن آنلاین" تبصره ای را خواندم، که از قلم یکی از کامنتنگاران عزیز رقم پذیرفته بود. ایشان این کلمه را به صورت "میضوف" نوشته بودند، که قطعاً غلط است؛ چون کلمه ای با این املاء باید عربی باشد و طوری، که به تحقیق میدانم، کلمه "میضوف" اصلاً از مادر نزاده است. کلمه "میضوف" باید از ریشه سه حرفی "یضف" اشتقاق یافته باشد و طوری، که قوامیس عربی شاهد اند، چنین مصدری در زبان عربی وجود ندارد!!! یگانه راه نوشتن عامیانه این کلمه همانا شکل گفتاری "میزوف" است و بس.

امید است این نکته به صورت اخص از نظر مبارک آن تبصره نویس عزیز نیز بگذرد، تا ازین به بعد این کلمه را هرگز و هرگز و هرگز به صورت "میضوف" ننویسند!!!

البته امیدوارم، که این نوشته دلسوزانه از نظر همه "مقاله نگاران" و "کامنت نویسان" عزیز سایت "اریانا افغانستان آنلاین" و پورتال "افغان جرمن آنلاین" بگذرد!!!

**خیر بنگرند کسانی، که گپ دُرست را میثنونند و میخوانند!!!**

**و خیر و بهره مکرر بنگرند، کسانی، که بدان عمل میکنند!!!**

(خلیل الله معروفی - المان - ۱۲ دسمبر ۲۰۲۰)



چقدر آلا - از آلام کده بالا!!!

marooft\_k\_cheqadar\_aalaa\_tanz\_e\_dastoori.pdf